



تاریخ ورجال

تاریخ حرم ائمه بقیع

قبر فاطمه زهرا - سلام الله علیها - یا فاطمه بنت اسد

(۴)

محمد صادق نجمی

پس از بررسی تاریخ حرم و ضریح ائمه بقیع، که در سلسله مقاله‌های گذشته ملاحظه فرمودید، به این پرسش می‌رسیم:

«قبری که داخل حرم مطهر ائمه بقیع به فاطمه - ع - نسبت داده می‌شود، فاطمه زهرا است یا فاطمه بنت است؟»

توضیح و بیان این موضوع، که مهمترین و جالبترین بخش از تاریخ حرم ائمه بقیع را به خود اختصاص داده است، ایجاب می‌کند که چند مطلب مورد بررسی قرار گیرد.

مدفن حضرت زهرا - سلام الله علیها - کجاست؟

یکی از مسائل مسلم و قطعی در مورد حضرت زهرا - سلام الله علیها - این است که قبر آن حضرت مخفی است و تا به حال، بطور مشخص و قطعی قبری به آن حضرت نسبت داده نشده است. و اما مدفن و محلی که ممکن است پیکر پلک، آن حضرت در آن جایگاه دفن شده باشد آن هم از نظر تاریخی، دقیقاً معلوم نیست و جای بحث و گفتگو و مورد اختلاف است.

علت اختفا

سمهودی می‌گوید: «سبب اختفای قبر فاطمه - س - و مشخص نبودن آن و بعضی دیگر از قبور بزرگان، این است که در صدر اسلام علاوه بر اینکه ساختن بنا بر روی قبور و یا استحکام قبور با گچ و آجر بطور عموم معمول نبوده، دربارهٔ اختفای قبور اهل بیت - بخصوص -، انگیزهٔ دیگری نیز وجود داشته و آن عداوت و دشمنی حکام درگذشته و امروز! با اهل بیت است؛ بطوری که بنا به نقل مسعودی در سال دویست و سی و شش، متوکل دستور داد قبر حسین بن علی محو و با خاک یکسان و کسانی که در کنار این قبر می‌باشند، شدیداً مجازات شوند و در اجرای این دستور، پولهای زیادی صرف و پادشاهی فراوانی به مجریان این فرمان پرداخت گردید.^۱

بخش دوم گفتار سمهودی درست و دقیقاً مطابق با حوادثی است که در طول تاریخ، از سوی حکومتها در مقابل اهل بیت رسول خدا - ص - به وقوع پیوسته است و دلیل روشن بر گفتار وی، قبل از اقدام متوکل که در اواسط قرن سوم صورت گرفته است اقدام بنی‌امیه در تخریب و انهدام خانهٔ فاطمه زهرا - ع - است که در قرن اول صورت گرفت لیکن بخش اول گفتار سمهودی را - در مورد قبر یگانه یادگار رسول خدا - باید یک نوع تحریف تاریخ و تغییر واقعیت دانست؛ زیرا وی به جای انگیزهٔ واقعی این موضوع، رایج نبودن بنا و ساختمان بر قبور بزرگان را دلیل اختفای قبر آن حضرت معرفی می‌کند. در صورتی که قبور عده‌ای از صحابه و اقوام دیگر رسول خدا - ص - در مکه و مدینه در داخل و خارج بقیع مشخص می‌باشد و لذا باید علت اختفای قبر آن حضرت را در جای دیگر جستجو کرد و انگیزهٔ واقعی آن را همانگونه که هست، بیان نمود؛ همان انگیزه و علتی که در منابع حدیثی و تاریخی شیعه و اهل سنت منعکس گردیده است و آن عبارت است از وصیت و تأکید فاطمه زهرا - سلام‌الله علیها - بر این که پیکر پاکش شبانه دفن شود و قبر مطهرش پنهان و مخفی گردد.

در صحیح بخاری و صحیح مسلم، در ضمن نقل جریان اختلاف نظر حضرت زهرا - س - با اقدام و عملکرد ابوبکر در مورد فدک و ارث رسول خدا - ص - از عایشه چنین آمده است:

«فوجدت فاطمة علی ابی بکر فی ذلك فحجرته فلم تکلمه حتی توفیت وعاشت بعد التبی - ص - ستة اشهر، فلما توفیت دفنها زوجها علی لیلاً ولم یؤذن بها أبابکر و صلی علیها».^۲

فاطمه - علیها‌السلام - از این جهت نسبت به ابوبکر رنجش خاطر پیدا کرد و با او سخن نگفت تا از دنیا رفت.

عایشه اضافه می‌کند: «فاطمه پس از رسول خدا - ص - شش ماه زنده بود و چون از دنیا رفت همسرش علی، ابوبکر را از وفات وی مطلع نساخت و خودش بر پیکر او نماز خواند و شبانه دفن نمود.»

ابن عبدالبر می‌گوید: «وکانت اشارت علی زوجها أن یدفنها لیلاً»^۳:

«فاطمه به همسرش علی اشاره کرده بود که به خاکش بسپارد.»

این اشارت از سوی حضرت زهرا و دفن شدن پیکرش به هنگام شب، که در منابع اهل سنت فراوان نقل گردیده، در منابع شیعه قدری صریحتر ذکر شده است:

در روایتی آمده است که: امیر مؤمنان - ع - به هنگام شدت مرض و در آخرین روزهای حیات همسرش، در پاسخ پیام عمویش عباس که در مورد تجهیز و تشییع جنازه فاطمه زهرا به آن حضرت پیشنهادی را ارائه می‌داد چنین فرمود:

«و أنا استلک یا عمّ أن تسمع لی ترک ما أشرت به، فأنها وصتی بستر امرها»^۴:

«ای عمو! درخواست من این است که اجازه دهی از پیشنهاد تو در این مورد صرف‌نظر کنم؛ زیرا خود فاطمه بر من وصیت نموده است که مراسم تدفین وی مخفیانه انجام پذیرد.»

مرحوم شیخ مفید از حسین بن علی - ع - نقل می‌کند:

«فلما حضرتها الوفاة وصت امیرالمؤمنین ان یتولی امرها و یدفنها لیلاً و یعنی قبرها، فتولی المؤمنین و دفنها و عفی موضع قبرها»^۵.

و بنابراین بعضی از روایات، امیر مؤمنان - ع - بر چهل قبر در بقیع آب پاشید و شبیه هفت قبر به وجود آورد تا قبر حضرت زهرا به هیچوجه شناخته نشود.^۶

بهرحال این وصیت و این نوع تدفین موجب گردیده که قبر حضرت زهرا - علیهاالسلام - مخفی و اقوال و آراء مختلف در میان محدثان و مورخان در محل دفن وی پدید آید. از این رو است که عده‌ای می‌گویند قبر فاطمه - سلام‌الله علیها - در بقیع واقع گردیده و عده‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که در داخل خانه‌اش قرار گرفته و بعضی دیگر احتمال می‌دهند در مسجد رسول خدا - ص - و در میان بیت و منبر آن حضرت باشد و بطوری که ملاحظه خواهید فرمود، کسانی که قبر آن حضرت را در بقیع دانسته‌اند، با اختلاف شدید سخن گفته و احتمالات متعددی را مطرح ساخته‌اند.

مدفن حضرت زهرا از دیدگاه روایات

روایات متعدد و مسند و مورد اعتمادی که از ائمه معصوم - علیهم‌السلام - در محل دفن حضرت زهرا - سلام‌الله علیها - در منابع شیعه نقل گردیده، نشانگر این است که آن حضرت در داخل خانه خودش که در کنار مسجد و در جوار خانه رسول خدا - ص - قرار داشت، دفن شده است؛ خانه‌ای که به دستور بعضی از حکام و خلفای بنی‌امیه تخریب و به مسجد ضمیمه گردید^۷ و ما در این زمینه به

نقل چند روایت اکتفا می‌کنیم:

۱ - مرحوم صدوق از ابی نصر بزنتلی نقل می‌کند که از امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا - علیه‌السلام - از محل قبر فاطمه - علیهاالسلام - سؤال نمودم، فرمود:

«دُفِنَتْ فِي بَيْتِهَا فَلَمَّا زَادَتْ بَنُو أُمِّيَةِ فِي الْمَسْجِدِ صَارَتْ فِي الْمَسْجِدِ».^۸

این روایت را مرحوم کلینی^۹ ابن شهر آشوب^{۱۰} و علامه مجلسی^{۱۱} نیز نقل کرده‌اند.

۲ - همچنین بزنتلی نقل می‌کند از حضرت رضا - ع - سؤال کردم که فاطمه دختر رسول خدا -

ص - در کجا دفن شده است؟ فرمود:

«شخصی همین موضوع را در مجلسی که علی بن موسی^{۱۲} نیز حاضر بود از جعفر بن محمد

- ع - سؤال نمود، عیسی در پاسخ وی گفت: فاطمه - ع - در بقیع دفن شده است. آن شخص به جعفر

بن محمد عرض کرد: شما چه می‌فرمایید؟ فرمود: عیسی بن موسی به سؤال تو پاسخ داد، وی بار

دیگر عرض نمود: خدا شما را به سلامت دارد. من با عیسی بن موسی چه کار دارم! شما نظر پدرانمان

را به من بگویید، حضرت فرمود: «دُفِنَتْ فِي بَيْتِهَا».^{۱۳}

۳ - سید بن طاووس - ره - از کتاب: «المسائل واجوبتها من الأمه» در ضمن سؤالی که از

امام علی الهادی - ع - کتباً به عمل آمده است، این مطلب را نقل می‌کند که: محمد همدانی می‌گوید:

به آن حضرت نوشتم: «اگر صلاح می‌دانید مرا از محل دفن مادران فاطمه آگاه سازید که آیا در داخل

مدینه است یا همانگونه که مردم می‌گویند در بقیع قرار دارد؟ آن حضرت در جواب من نوشت: «هی

مع جدی صلوات الله علیه».^{۱۴}

مدفن حضرت زهرا از نظر علمای شیعه

این بود سه نمونه از روایاتی که در مورد مدفن حضرت زهرا نقل نمودیم و اینک توجه

خوانندگان ارجمند را به نظریه عده‌ای از علما و محدثین بزرگ شیعه در این مورد جلب می‌نماییم:

۱ - نظریه شیخ صدوق و کیفیت زیارت او:

مرحوم شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه. ق.) پس از نقل اختلاف در محل دفن آن حضرت،

می‌گوید:

«عده‌ای از محدثین روایاتی را نقل و مضمون آنان را پذیرفته‌اند که دلالت دارد بر اینکه آن

حضرت در داخل خانه‌اش که در اثر توسعه بنی‌امیه به مسجد ضمیمه گردیده، به خاک سپرده شده

است.» سپس می‌گوید: «و هذا هو الصحيح عندی».

آنگاه کیفیت زیارت خویش را بیان می‌کند و می‌گوید: «من به توفیق خداوند متعال به هنگام مراجعت از حج بیت‌الله الحرام، وارد مدینه شدم و چون زیارت رسول خدا - ص - را به جای آوردم، در حالی که غسل زیارت نیز انجام داده بودم توجهم را به سوی خانه فاطمه منعطف ساختم و حدّ این خانه از استوانه مقابل باب جبرئیل است تا محوطه‌ای که قبر رسول خدا در آن واقع گردیده و در نزدیکی این محوطه، به طوری ایستادم که مدفن رسول خدا در سمت چپم و قبله در پشت سرم و خانه فاطمه در مقابلم قرار گرفت^{۱۵} آنگاه این زیارت را خواندم: «السّلام علیک یا بنت نبی الله، السّلام علیک یا حبیب الله...»^{۱۶}

سپس می‌گوید: «چون در اخبار و احادیث، زیارت مشخصی برای حضرت فاطمه - سلام‌الله علیها - نیافتم، برای کسانی که کتاب مرا می‌خوانند، همان زیارت را می‌پسندم که برای خود پسندیدم»^{۱۷}.

وی در معانی الأخبار می‌گوید: «قول صحیح از نظر من در مورد قبر فاطمه - سلام‌الله علیها - مضمون همان روایت است که پدرم از طریق محمد بن عطار از حضرت رضا - علیه‌السلام - نقل نموده است که فاطمه زهرا در داخل خانه‌اش دفن شد و این خانه به هنگام توسعه مسجد، به وسیله بنی‌امید به مسجد منضم گردید»^{۱۸}.

۲ - نظریه شیخ مفید - ره - :

مرحوم شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هـ. ق.) می‌گوید:

«ثمّ قف بالروضة و زر فاطمة - علیها‌السلام - فأنّها هناك مقبورة»^{۱۹} «پس از زیارت رسول خدا - ص - در کنار روضه بایست و فاطمه را زیارت کن؛ زیرا او در این جایگاه به خاک سپرده شده است.

۳ - نظریه شیخ طوسی - ره - :

شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ هـ. ق.) می‌گوید: «اصوب انها مدفونة فی دارها او فی الروضة»^{۲۰}.

۴ - نظریه طبرسی - ره - :

مرحوم طبرسی از اعلام قرن ششم، پس از اشاره به اختلاف نظر در مدفن آن حضرت، می‌گوید:

«والقول الأول بعید و القولان الآخران اشبه»:

اما قوم اول که آن حضرت در بقیع مدفون است، بعید است و دو قول دیگر که در داخل خانه‌اش و یا در روضه دفن شده است صحیح به نظر می‌رسد»^{۲۱}.

۵- نظریه سید بن طاووس - ره - :

سید بن طاووس (متوفای ۶۷۳ ه. ق.) می‌گوید:

«وَالظَّاهِرُ أَنَّ ضَرِيحَهَا الْمَقْدِسُ فِي بَيْتِهَا الْمَكْلَلِ بِالْآيَاتِ وَالْمُعْجَزَاتِ».^{۲۲}

و همو پس از روایتی که بصورت مکتوب از امام هادی - ع - نقل شده است^{۲۳} می‌گوید: «این گفتار صریح و نص واضح از امام هادی - ع - ، به تنهایی کفایت می‌کند در این‌که: فاطمه زهرا - سلام‌الله علیها - در کنار مدفن رسول خدا - ص - به خاک سپرده شده است و نه در جای دیگر».^{۲۴}

۶- نظریه علامه مجلسی - ره - و توضیح او در مورد روضه:

علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه. ق.) می‌گوید: «همانگونه که در کتاب مزار بیان کرده‌ایم، اصح اقوال این است که آن حضرت در داخل خانه‌اش دفن گردیده است».^{۲۵}

و در کتاب مزار می‌گوید: «الْأَظْهَرُ أَنَّهَا - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا - مَدْفُونَةٌ فِي بَيْتِهَا وَ قَدْ قَدِمْنَا الْأَخْبَارَ فِي ذَلِكَ».^{۲۶}

و آن مرحوم در مورد روضه که در بعضی از اخبار و در لسان علما وارد شده و این احتمال را مطرح نموده‌اند که: آن حضرت ممکن است در «روضه» دفن شده باشد و همانگونه که در بعضی از احادیث نبوی - ص - آمده است، روضه را هم به فاصله منبر و بیت رسول خدا - ص - منحصر دانسته‌اند، چنین توضیح می‌دهد که منظور از روضه که در روایت ابن ابی عمیر آمده است، یک مفهوم و معنای وسیعی است که شامل خانه فاطمه زهرا - علیهاالسلام - نیز می‌گردد^{۲۷} و منظور از روضه همان بیت فاطمه - علیهاالسلام - است.

مدفن حضرت زهرا از نظر علمای اهل سنت

این بود نمونه‌ای از روایات و گفتار معروفترین علمای شیعه درباره مدفن حضرت زهرا - سلام‌الله علیها - .

نظر علمای اهل سنت:

علمای اهل سنت در مورد مدفن حضرت زهرا - سلام‌الله علیها - دارای سه قول می‌باشند:

۱- در بیت خودش

گذشته از این که دفن شدن حضرت زهرا در داخل بیت خود در ضمن روایاتی از طریق اهل سنت آمده، در منابع آنان از امام باقر و امام صادق - علیهماالسلام - نیز نقل گردیده است.^{۲۸}

بعضی از دانشمندان آنان نیز به این معنا تصریح و دفن آن حضرت را در خانه‌اش تأیید

نموده‌اند. از جمله ابن شبه از قدیمی‌ترین مورخ و مدینه‌شناس عبدالعزیز^{۲۹} نقل می‌کند که وی می‌گفت: «آنها دفنت فی بیتها و صنع بها ما صنع برسول الله - ص - آنها دفنت فی موضع فراشها».^{۳۰}

«فاطمه زهرا همانند رسول خدا - ص - در داخل خانه‌اش و در جایگاهی که به عالم بقاء ارتحال یافته، به خاک سپرده شده است».

و دیار بکری با اشاره به اقوال مختلف می‌گوید: «و گفته شده که قبر آن حضرت در داخل خانه خود و در محل محرابی است که در پشت حجره مقدسه قرار گرفته است. سپس این نظریه را تأیید می‌کند و می‌گوید: «و هذا أظهر الأقوال».^{۳۱}

۲- در بقیع

عده‌ای دیگر از علمای اهل سنت نیز می‌گویند: «آن حضرت در بقیع ولی در خارج از حرم ائمه - علیهم السلام - به خاک سپرده شده است».

و این گروه نظرات و احتمالات مختلفی را مطرح ساخته‌اند؛ زیرا بعضی می‌گویند در زاویه بیرونی خانه عقیل، که به بقیع منتهی می‌گردد، دفن شده است.

و بعضی دیگر می‌گویند در مقابل کوچه‌ای که به نام کوچه نبیه بوده به خاک سپرده شده و بعضی دیگر در بیت‌الاحزان که مسجد فاطمه نامیده می‌شد، معرفی نموده‌اند.

و اقوال دیگری که مجموعاً به شش قول بالغ می‌گردد.^{۳۲}

۳- در داخل حرم ائمه بقیع

و این قول را می‌توان قول مشهور در میان علمای اهل سنت دانست.

سمهودی پس از بیان نظرات و مطالب مختلف در مدفن حضرت زهرا می‌گوید: «از آنچه گفتیم، چنین به دست می‌آید که قبر آن حضرت در بقیع و در کنار قبر حسن بن علی - ع - است».^{۳۳}

مدینه‌شناس معروف ابن نجار (متوفای ۶۴۳ ه. ق.) پس از نقل وصیت امام مجتبی - ع - که: «ادفونی الی جنب امی فاطمة بالمقبرة» می‌گوید: «بنابراین قبر فاطمه - علیها السلام - در کنار قبر

فرزندش حسن و در زیر قبه است».^{۳۴}

عبّاسی مؤلف کتاب عمدة الأخبار می‌گوید: «از قبور واقع در بقیع، قبر فاطمه دختر رسول خدا - ص - است و آن در داخل قبه عباس و در کنار قبر فرزندش حسن - ع - واقع گردیده؛ زیرا نقل شده

است که حسن بن علی به هنگام وفاتش وصیت نمود که مرا در کنار قبر مادرم فاطمه به خاک بسپارید».^{۳۵}

و اکثر نویسندگان گذشته و معاصر^{۳۶} همان مطلب را تکرار کرده و مدفن آن حضرت را در داخل حرم ائمهٔ بقیع معرفی نموده اند.

دلیل این نظریه

اگر طرفداران این قول، دلیلی بر نظریهٔ خود ذکر نمی‌نمودند، پذیرش گفتار آنان بعنوان یک مورخ امکان پذیر بود، ولی بطوری که ملاحظه فرمودید آنان در مقابل وجه اول که مضمون روایات و گفتار بعضی از قدیمترین مدینه‌شناسان است وصیت حضرت مجتبی - ع - را دلیل و مستند خود ذکر نموده‌اند که فرمود: «ادفونی عند قبر امی فاطمة»: اگر از دفن شدن من در کنار جدم مانع گشتند در کنار قبر مادرم فاطمه به خاکم بسپارید. که در گفتار ابن نجار و عباسی بدین دلیل تصریح گردیده و سایر مورخان نیز با توجه به نقل این وصیت در کنار اظهار نظر خویش، عملاً از همین روش پیروی و به همین دلیل استناد و چنین تلقی نموده‌اند که منظور آن حضرت از «امی فاطمة» مادر عزیزش فاطمه زهرا دخت رسول خدا - ص - می‌باشد.

نقض صریح این نظریه

به عقیدهٔ ما در عین این که اصل وصیت امام مجتبی - ع - از نظر تاریخی مورد تأیید است اما برداشت طرفداران وجه سوّم درست نیست، بلکه منظور امام مجتبی - ع - از جمله: «امی فاطمة» مادر بزرگش فاطمه بنت اسد می‌باشد نه مادرش حضرت زهرا - ع - .
در توضیح این موضوع می‌گوییم: گذشته از اینکه این برداشت مخالف با روش اهل بیت - علیهم‌السلام - در پنهان نگهداشتن قبر مطهر حضرت زهرا - علیها‌السلام - است و قطع نظر از اینکه مخالفت مضمون روایات منقول از اهل بیت - علیهم‌السلام - به طریق شیعه و اهل سنت و مخالف نظر علما و دانشمندان دیگر در دفن آن حضرت در بیت خود می‌باشد و گذشته از این که اطلاق کلمه «ام» به مادر بزرگ، یک اطلاق شایع است، گفتار و نقل صریح این مورخان در موارد دیگر، ناقض این برداشت و مؤید این است. فاطمه‌ای که در حرم بقیع دفن شده، فاطمه بنت اسد است و نه فاطمه زهرا - سلام‌الله علیها - .

از این موارد می‌توان گفتار این مورخان در محل دفن جناب عباس عمومی پیامبر را ذکر نمود. که ابن شبه و سمهودی از قدیمترین مدینه‌شناس؛ عبدالعزیز چنین نقل می‌کند: «دفن العباس بن عبدالمطلب عند قبر فاطمة بنت اسد بن هاشم فی اول مقابر بنی‌هاشم التی فی دار عقیل».^{۳۷}

عباسی در ضمن نقل متن بالاگفتار دیگری را از ابن حبان^{۳۸} می‌آورد که وی در مورد تشییع و تجهیز پیکر امام مجتبی - ع - تصریح کرده است: «... دفن بالبقیع عند جدته فاطمة بنت اسد بن هاشم».^{۳۹}

بطوری که ملاحظه می‌شود، این دو جمله از قدیمترین مورخان و محدثان صراحت دارد بر اینکه بانویی که در حرم بقیع دفن شده و عباس عموی پیامبر و امام مجتبی - ع - در کنار آن به خاک سپرده شده‌اند، جده و مادر بزرگ حضرت حسن بن علی فاطمه بنت اسد است نه فاطمه زهرا دختر رسول خدا - ص - .

قبر فاطمة بنت اسد در خانه فرزندش عقیل

در تأیید و توضیح مطالب گذشته این نکته نیز قابل توجه است؛ همانگونه که در مورد حرم ائمه بقیع و دفن شدن پیکر پاک آنان، توضیح دادیم که این محل، خانه‌ای بوده متعلق به عقیل بن ابی طالب و پس از دفن شدن پیکر فاطمه و عباس و سه تن از ائمه چهارگانه - علیهم‌السلام - از حالت مسکونی به صورت زیارتگاه و عبادتگاه عمومی تغییر یافته است و در همین بخش از بحث، با ذکر شواهد تاریخی متذکر شدیم که دفن شدن افراد در داخل منازل خود در صدر اسلام و مخصوصاً در مورد افراد مشخص، یک برنامه عادی و عملی رایج به شمار می‌آمده است.

با توجه به این حقیقت و با در نظر گرفتن مطالب گذشته، چگونگی دفن شدن مادر امیر مؤمنان در داخل این خانه از نظر تحلیل تاریخی روشن می‌شود و به دست می‌آید؛ وی که در سال چهارم هجری از دنیا رفته، با احترام و اهتمام فوق‌العاده‌ای که فرزندان آن بانوی مکرمه و شخص رسول اکرم - ص - بر او قائل بودند، پیکرش را با آن تشریفات خاصی که در منابع تاریخی نقل شده است، در داخل خانه متعلق به فرزندش عقیل دفن نموده‌اند و پس از مدت کمی؛ یعنی در سال سی‌ام هجری، پیکر عباس عموی رسول خدا بر همین منوال در همان محل و در کنار قبر بنت اسد و سپس ائمه چهارگانه - علیهم‌السلام - به ترتیب در همین خانه به خاک سپرده شده‌اند.

سیاست و تحریف واقعیت

این بود مضمون روایات و نظر معروفترین علما و محدثان شیعه در مورد مدفن فاطمة زهرا - سلام الله علیها - . و همچنین روایات اهل سنت و نظر عده‌ای از علمای آنان در این موضوع و نیز گفتار بعضی از مورخان و مدینه‌شناسان در مورد مدفن فاطمة بنت اسد و تبیین وصیت امام

مجتبی - ع - در این مورد و این بود آنچه به نظر ما رسید از نظر تحلیل تاریخی.

و از مجموع این بحث و گفتار، ظن قریب به یقین به دست می‌آید که قبر مطهر حضرت زهرا - سلام الله علیها - در بیت خود و در کنار مسجد رسول خدا - ص - و قبر فاطمه بنت اسد در داخل حرم ائمه بقیع قرار گرفته است. ولی نباید این نکته را نادیده گرفت که تحریف این واقعیت و اصرار و تلاش نویسندگان و حکومتها در طول تاریخ، در جهت معرفی قبر حضرت زهرا - ع - در داخل حرم ائمه بقیع و حتی ایجاد و ترسیم شبیه قبری و نسبت دادن آن به دختر رسول خدا - ص - در غیر محل قبلی آن، که پس از تخریب این حرم به وسیله حکومت سعودی، انجام پذیرفته، همه در جهت تقلیل فشار سیاسی و تخفیف تهاجم فکری، عقیدتی و سرپوش گذاشتن به ایراد و انتقادی بوده است که در طول تاریخ از سوی پیروان مکتب اهل بیت - علیهم السلام - به پیروان خط فکری مخالف و به حکومتها از لحاظ مخفی بودن قبر یگانه یادگار رسول خدا وارد می‌گردیده است.

و لذا حکومتها مجبور بودند به هر عنوانی که شده، قبری برای فاطمه دخت رسول خدا - ص - معرفی نمایند و تطبیق نمودن وصیت امام مجتبی - ع - به فاطمه زهرا - سلام الله علیها - می‌توانست بطور طبیعی راه حلی برای این معما باشد و در کنار همین حرکت، چه بهتر قرائن و شواهدی هم ارائه شود و از طرف دیگر طبعاً لازم بود برای فاطمه بنت اسد هم مدفن دیگری غیر از مدفن واقعی خود معرفی شود که در هر دو جهت، شاهد تحقق این حرکت باشیم.

اما در مورد ارائه قرینه و شاهد در تأیید وجود قبر حضرت زهرا - علیها السلام - در داخل حرم بقیع، می‌بینیم در یک مقطع از تاریخ، سنگ نبشته و قطعه مرمری در روی قبور ائمه بقیع نصب و در آن اعلام می‌گردد که قبر فاطمه دخت رسول خدا - ص - در اینجا واقع شده است.

مسعودی در مروج الذهب در مورد این قطعه مرمر چنین می‌گوید:

«و علی قبورهم فی هذا الموضع من البقیع، رخامة علیها مکتوب: بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله مبدی الأمم و محی الرمم، هذا قبر فاطمة بنت رسول الله - صَلَّى الله عليه و سلم - سيدة نساء العالمین و قبر الحسن بن علی بن ابی طالب و علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب و محمد بن علی و جعفر بن محمد - رضی الله عنهم -». ۴۰

و در مقطع دیگر و پس از چند قرن مشابه همین کتیبه در بالای درب حرم ائمه بقیع نصب می‌شود.

سید اسماعیل مرندی درباره این کتیبه در کتاب خود که در سال ۱۲۵۵ تألیف نموده می‌گوید: بالای در، در سنگ مرمر نوشته «هذا قبر فاطمة بنت رسول الله - ص - و قبر حسن بن علی و

قبر محمد بن علی و...»^{۴۱}.

و اما در مورد اصل قبر

محب‌الدین طبری (متوفای ۶۹۶ هـ. ق.) پس از آن که این مطلب را از ابن عبدالبر (متوفای ۴۶۳ هـ. ق.) نقل می‌کند که: «در کنار قبر امام مجتبی - ع - که معروف و مشخص است، اثر قبری منتسب به فاطمه وجود ندارد»، می‌گوید: «یکی از صلحا و برادران مؤمن بر من نقل نمود که ابوالعباس مرسی به هنگام زیارت بقیع، در مقابل سمت قبله، داخل قبه عباس (حرم بقیع) می‌ایستاد و به فاطمه سلام می‌گفت و بر وی از راه مکاشفه ظاهر شده بود که قبر فاطمه در داخل این حرم و در این سمت بوده است».

طبری اضافه می‌کند: «و من با اعتماد بر صحت نقل این فرد صالح و مؤمن، قبر فاطمه را به همین ترتیب زیارت می‌نمودم...»^{۴۲}.

از این گفتار ابن عبدالبر و طبری که هر دو از محدثین و شخصیت‌های معروف علمی هستند،^{۴۳} معلوم می‌گردد که اثر قبر فاطمه در داخل حرم از بین رفته بوده و در قرن پنجم و قرن هفتم در داخل حرم بقیع بر خلاف قبور ائمه و قبر عباس علامت قبری آشکار منتسب به فاطمه وجود نداشته است. بنابراین، آنچه ما قبلاً در این مورد مطرح نمودیم که در قسمت جنوبی، داخل حرم بقیع و زیر طاق در مجاورت محراب، شبیه قبری بوده منتسب به فاطمه و این قسمت به وسیله شبکه فولادینی از فضای حرم جدا شده بود، مطلبی است جای سؤال و جای تردید، که آیا این قبر و آن دو قطعه مرمر و کتیبه چگونه و در چه تاریخی و به وسیله کدام حکومت و به دست چه کسی بوجود آمده است؟ و همین سؤال در مورد قبر فعلی نیز که در کنار قبور ائمه بقیع و منتسب به فاطمه می‌باشد، مطرح است که به فرض صحت انتساب قبری که قبلاً اشاره گردید، قبر فعلی از نظر مکان مطابقت با آن محل ندارد؛ زیرا این قبر مانند سایر قبور در وسط حرم و نه در کنار آن قرار گرفته است.

اما در مورد مدفن فاطمه بنت اسد

بطوری که اشاره کردیم، چون اصل مدفن بنت اسد که در خانه فرزندش عقیل و حرم ائمه بقیع بود، به عنوان مدفن فاطمه زهرا - سلام‌الله علیها - معرفی و برای تثبیت آن، قرائن و شواهدی هم اقامه گردید، طبعاً لازم بود، مدفن دیگری برای بنت اسد که با مباشرت شخص رسول اکرم - ص - و با تشریفات خاصی دفن گردیده بود، معرفی و مشخص شود و این برنامه عملی و چند محل به

عنوان مدفن فاطمه بنت اسد معرفی گردید.

آری در این مورد، شاهد اختلاف نظر و تشتت گفتار از سوی مورخان می‌باشیم؛ زیرا گاهی می‌گویند: «محل دفن فاطمه بنت اسد، مسجد فاطمه - علیهاالسلام - (بیت الأحزان) است». ^{۴۴} و گاهی می‌گویند که: «پیکر وی در «روحاء» و در کنار قبر ابراهیم و عثمان بن مظعون دفن شده است». ^{۴۵}

و آنچه در میان عده‌ای از مورخان و در بین مردم اشتهار یافته، این است که قبر وی همان است که در خارج بقیع و در شمال قبر عثمان بن عفان به فاصله ۵۰ متر از قبر وی در کنار قبر دیگری قرار گرفته است. ^{۴۶}

سمهودی پس از نقل گفتار بعضی از مورخان که قبر فاطمه بنت اسد در «روحاء» قرار گرفته و پس از نقل گفتار ابن شبه از عبدالعزیز که امام مجتبی در کنار قبر فاطمه بنت اسد بن هاشم و در اول مقابر بنی‌هاشم دفن شده است، می‌گوید: «و همه این مطالب مخالفت صریح و نقض آشکار دارد با آنچه معروف شده است که قبر وی در نزدیکی قبر عثمان و در خارج بقیع واقع گردیده است و اولین کسی که این مطلب را مطرح کرد ابن نجار بود و دیگران از وی پیروی نمودند و من دلیلی بر گفته وی نیافتم و نظریه صحیح در نزد من همان است که او در کنار قبر امام مجتبی دفن شده است؛ زیرا خیلی بعید است که رسول خدا - ص - از اصل بقیع صرف نظر کند و پیکر بنت اسد را در این محل دور و در انتهای کوچه‌ای که در اقصای بقیع واقع شده است، به خاک بسپارد.

سمهودی اضافه می‌کند: «اصلاً معلوم نیست این محل جزء بقیع باشد؛ زیرا بطوری که در آینده خواهیم گفت، محل دفن عثمان جزء بقیع نبوده و این محل که در انتهای کوچه‌ای در قسمت شمالی قبر عثمان قرار گرفته به طریق اولی جزء بقیع نخواهد بود». ^{۴۷}

مشابه همین مطلب را احمد عباسی در عمدة‌الآخبار آورده سپس به کیفیت شهادت و محل دفن سعد بن معاذ اشاره می‌کند و می‌گوید: «مدفن سعد بن معاذ به مدفنی که در خارج بقیع به فاطمه بنت اسد منسوب است، بیشتر قابل تطبیق است تا خود فاطمه بنت اسد». ^{۴۸}

خلاصه: بطوری که قبلاً اشاره گردید، انگیزه اصلی نصب این کتیبه‌ها و ترسیم این قبرها در طول تاریخ و حتی در دوران حکومت سعودی، همان سیاست دفاعی بوده و این سیاست موجب گردیده است که قبر مطهر حضرت زهرا - سلام‌الله علیها - مشخصاً در حرم بقیع و برای فاطمه بنت اسد مدفنهای مختلفی غیر از مدفن اصلی وی معرفی گردد و بطوری که ملاحظه فرمودید، از نظر عده‌ای از متخصصین در تاریخ مدینه، همه این موارد مردود و در نهایت، مدفن وی در داخل حرم ائمه

بقیع معرفی شده است، نه مدفن فاطمه زهرا - علیها السلام - .

تاریخ تخریب بیت فاطمه - علیها السلام -

در خاتمه این بحث، بیان دو مطلب ضروری به نظر می‌رسد؛ یکی در ارتباط با بیت و حجره فاطمه - سلام الله علیها - و دیگری در ارتباط با دومین خانه امیر مؤمنان - ع - . بطوری که در متن روایات و در گفتار علما و در منابع تاریخی آمده است، بیت فاطمه - سلام الله علیها - به وسیله بعضی از حکام بنی امیه تخریب و به مسجد پیامبر - ص - ضمیمه گردیده است.

در اینجا نگاهی داریم به تاریخ این تخریب و این حادثه مهم تاریخی و همچنین به تغییر و تحولی که در طول چند قرن تا امروز در این حجره به وجود آمده است. خانه فاطمه زهرا - س - یکی از خانه‌های متعددی است که طبق دستور رسول خدا - ص - در کنار مسجد آن بزرگوار ساخته شده بود.

مورخان می‌گویند: این خانه‌ها و حجره‌ها در قسمت شرقی و شمالی و در سمت جنوبی مسجد قرار داشتند،^{۴۹} که هر یک از آنها به یکی از همسران رسول خدا اختصاص داشت؛ همانگونه که حجره فاطمه به آن حضرت اختصاص داده شده بود. از نظر موقعیت، بیت فاطمه در شرق مسجد و در قسمت شمالی حجره‌ای که پیکر پاک رسول خدا - ص - در آن به خاک سپرده شده و به عایشه اختصاص داشت، قرار گرفته بود؛ همانگونه که حجره حفصه در قسمت جنوبی این خانه قرار داشت، با این تفاوت که حجره عایشه و حفصه را راهروی از هم جدا می‌ساخت ولی در میان حجره فاطمه و عایشه فاصله‌ای به جز دیوار وجود نداشت و حتی بنا به نقل بعضی از مورخان اهل سنت، در میان این دو خانه، روزنه کوچکی تعبیه شده بود که پیامبر اکرم در اوقاتی که در خانه عایشه بسر می‌برد، از همین روزنه با اهل بیت صحبت و از فاطمه و حسنین تفقد و دلجویی می‌فرمود که پس از مدتی به علی و طبق درخواست حضرت زهرا - س - مسدود گردید.^{۵۰}

این خانه و حجره که در لسان روایات و در متون تاریخی به «بیت فاطمه» و گاهی به «بیت علی» - ع - تعبیر می‌شود؛ مانند سایر خانه‌های متعلق به رسول خدا و بعضی از صحابه و اقوام آن حضرت دارای دو درب بود؛ یکی به داخل مسجد باز می‌شد و دیگری به سمت شرق و به طرف بقیع که در این سمت، دارای حیاط کوچکی هم مانند سایر بیوت بود و رسول خدا - ص - دستور داد همه کسانی که دارای چنین خانه در اطراف مسجد هستند، درب خانه خود را که به داخل مسجد باز می‌شود

بیندند مگر خانه علی (و سد الأبواب الا بابه).

گرچه در این بیت و حجره و مرقد رسول خدا - ص - همانند مسجد آن حضرت در طول تاریخ، تحولات و دگرگونی‌هایی در اثر توسعه و علل دیگر به وجود آمده است ولی بطوری که اشاره گردید، هدف ما در اینجا فقط تذکر و یادآوری تغییر و تحوّل است که در بیت فاطمه - ع - به وجود آمده است. ولید بن عبدالملک خلیفهٔ اموی^{۵۱} که در سال ۸۸ به قصد سفر حج وارد مدینه شده بود، به هنگام سخنرانیش در مسجد رسول خدا، پردهٔ حجرهٔ فاطمه کنار رفت و او متوجه گردید که حسن بن حسن بن علی - ع -^{۵۲} در میان این خانه نشسته در یک دستش آئینه و با دست دیگر محاسنش را شانه می‌زند ولید بلافاصله دستور داد که این خانه تخریب و به مسجد ضمیمه شود. حسن بن حسن و همسرش فاطمه بنت الحسین - ع - با این دستور مخالفت و از ترک نمودن این حجره امتناع ورزیدند. ولید پیام داد که اگر این بیت را تخلیه نکنید بر سر شما ویران خواهد نمود، آنان باز هم مقاومت نمودند ولید دستور داد خانه را بر سر آنها و اطفالشان ویران کنند، چون مأمورین وارد خانه شدند و در اجرای فرمان ولید فرش از زیر پای حسن و فاطمه کشیدند آنان به اجبار این حجره را ترک و به خانهٔ دیگری که متعلق به امیر مؤمنان - ع - بود، منتقل گردیدند.^{۵۳}

بعضی از مورّخین می‌گویند: اصل این حادثه و کنار رفتن پردهٔ این حجره، در حال سخنرانی برای شخص ولید اتفاق نیفتاده، بلکه برای یکی از مأمورین وی که در فاصله‌های مختلف جهت بررسی اوضاع مدینه به این شهر وارد می‌شد اتفاق افتاده و او این موضوع را بعنوان امری برخلاف شیوّهٔ خلافت تلقی و در نزد ولید سعایت نموده، ولید هم چنین دستوری را صادر کرده است. در ماه ربیع‌الأول سال ۸۸ ولید به عمر بن عبدالعزیز والی خود در مدینه کتباً دستور داد همهٔ خانه‌های اطراف مسجد را که متعلق به همسران و اقوام و صحابه رسول خدا بود تخریب و به مسجد ضمیمه نماید، او در نامه خود تأکید کرده بود که هر یک از مالکان این بیوت با فروش خانه‌اش موافقت کند خریداری و هرکس مخالفت نماید، قیمت خانه پرداخت و بدون رضایت وی ویران شود.

عمر بن عبدالعزیز سران و علمای مدینه را از مضمون نامهٔ ولید آگاه ساخت، همهٔ آنان با این تصمیم مخالفت نموده و چنین گفتند: اگر واقعاً هدف ولید توسعه مسجد است می‌توان آن را از جوانب دیگر به اجرا گذاشت. اما این حجره‌ها که متعلق به رسول خدا و یادگار آن حضرت و با این بساطت و سادگی و دیوارهای خشتی با سقفهای کوتاه و با پوشش شاخه‌های خرما که بیانگر کیفیت زندگی پیامبر اسلام است موجب جلب توجه زائرین تا قیامت و سبب بهره‌گیری معنوی و سوق دادن مسلمانان به زهد و کناره‌گیری از تجمل‌گرایی می‌باشد و مسلمانان در طول قرن‌ها با مشاهدهٔ این

مناظر، پی خواهند برد که علاقه به ساختمانهای چند طبقه و گرایش به رفاه و زندگی پر زرق و برق از روش انبیا بدور است و طبعاً به آن حضرت تأسی و از روش وی تبعیت خواهند نمود.

عمر بن عبدالعزیز پیشنهاد سران مدینه را به ولید منعکس نمود. وی مجدداً دستور داد که باید این خانه‌ها ویران و مسجد از تمام جوانب توسعه پیدا کند!

طبق نوشته مورّخین، به هنگام تخریب این خانه‌ها، مردم مدینه آنچنان ناله و شیون سر دادند و آنچنان گریه و زاری نمودند که ایام رحلت رسول خدا را تداعی می‌نمود و پس از درگذشت غم‌انگیز رسول خدا، در هیچ حادثه‌ای در مدینه چنین تأثر، حزن و اندوهی مشاهده نشده بود.

به هنگام تخریب این حجره‌ها خبیب بن عبدالله به عمر بن عبدالعزیز گفت: به خدایت سوگند کاری نکنید که آیه «انّ الذین ینادونک من وراء الحجرات» را از بین ببرید. فرزند عبدالعزیز دستور داد در روزی سرد بر بدن خبیب آب سرد بریزند و یک صد تازیانه بزنند که وی در اثر این فشار به شهادت رسید. عمر بن عبدالعزیز بعدها از این اقدام خود اظهار ندامت می‌نمود و می‌گفت ای کاش خبیب را نمی‌کشتم.

بهرحال ولید با تخریب این بیوت مسجد را توسعه داد و از پادشاه روم جهت بتّایی و زیباسازی آن استمداد نمود و چهل نفر معمار و کارگر مسیحی وارد مسجد و مشغول به کار شدند و در سال ۹۱ توسعه و زیباسازی مسجد به پایان رسید.^{۵۴}

گرچه مورّخان بر خلاف دستور ثانوی و تخریب بیوت همسران پیامبر که در سال ۸۸ بوده، برای تخریب خانه فاطمه تاریخ دقیقی ذکر ننموده‌اند ولی همانگونه که در گفتار بعضی از آنان اشاره شده، وقوع متعاقب این دو حادثه، نشانگر این واقعیت است که تخریب حجره فاطمه و ضمیمه کردن آن به مسجد، در حالی که همه خانه‌های موجود به حال خود باقی بوده، موجب جلب توجه هر بیننده و از نظر اجتماعی شدیداً سؤال برانگیز بوده است. ولید هم در اثر فشار افکار عمومی مجبور شده است با اتخاذ چنین تصمیمی و به عنوان «توسعه مسجد» دستور تخریب همه این بیوت را صادر نماید تا در ضمن مشروعیت بخشیدن به عمل خود مسأله تخریب بیت فاطمه هم در بوتّه فراموشی قرار گیرد.

طبق دستور ولید، عمر بن عبدالعزیز این خانه‌ها را ویران و مانند حجره فاطمه به مسجد ضمیمه نمود و حتی دیوارهای موجود در اطراف حجره و مرقد مطهر رسول خدا را نیز برداشت و برای مشخص شدن مرقد مطهر به جای دیوار قبلی، محدوده آن را با سنگهای سیاه رنگی، شبیه به سنگهای دیوار کعبه ولی صاف و تراشیده شده، دیوارکشی نمود.^{۵۵}

و باز برای این که قبر رسول خدا حالت کعبه را پیدا نکند، قسمت شمالی آن را که محدوده بیت

عایشه و حضرت زهرا می‌باشد. با اینکه جزء مسجد شده بود. با دیوار کوتاهی، به شکل مثلثی درآورد که محدوده این دیواره را مقصوره می‌نامند؛ همانطوری که به خود دیواره نیز مقصوره می‌گویند.

نصب شبکه در اطراف مرقد شریف و حجره فاطمه - ع -

وضع مرقد شریف و بیت فاطمه، قطع نظر از تغییرات جزئی، تقریباً به مدت شش قرن به همان شکلی بود که توضیح داده شد و زائران قبر رسول خدا - ص - می‌توانستند قبر شریف آن حضرت را در فاصله یک متر و نیم زیارت کنند و در اطراف مرقد شریف و در محل بیت فاطمه - ع - و سایر بیوت نماز بخوانند و گفتار ائمه هدی - علیهم‌السلام - و محدثان و مورخان در مقاطع مختلف، بیانگر این حالت و ناظر به این تحول و دگرگونی و تخریب بیت فاطمه و ضمیمه شدن آن به مسجد است که به دستور ولید انجام گرفته است. ولی در سال ۶۶۸ به دستور پادشاه مصر، ملک ظاهر ببرز بندقداری^{۵۶} در میان ستونهایی که در چهار طرف مرقد مطهر قرار داشت، شبکه چوبینی به ارتفاع تقریباً دو متر نصب و این قسمت مجدداً از مسجد جداگردید که علاوه از مرقد مطهر بیت عایشه و بیت فاطمه - ع - نیز در داخل این شبکه قرار گرفته‌اند. این شبکه دارای سه درب بود؛ یک درب در سمت قبله و درب دوم در طرف شرق و درب سوم در سمت غرب و داخل مسجد قرار داشت.

مورخین می‌گویند در اندازه‌گیری محل نصب این شبکه، ملک ظاهر که در سال ۶۶۷ در موسم حج به مدینه وارد شده بود، مباشرت مستقیم داشته و در سال ۶۶۸ آماده و نصب گردید.

پس از نصب این شبکه، فاصله زائران با قبر رسول خدا بیشتر و مسلمانان از نماز خواندن در قسمتی از فضا که به مسجد ضمیمه شده بود، ممنوع شدند و این موضوع به عنوان انتقاد از اقدام ملک ظاهر و بصورت عملی غیر مشروع و مانع از اقامه نماز توسط مسلمانان، در بخشی از مسجد، مطرح گردید و پاسخ طرفداران وی این بود که: «ملک ظاهر با نصب این شبکه، قداست حجره شریفه را بیش از پیش حفظ و احترام محوطه روضه مطهر را که در شرع انور وارد شده است، با ممنوع کردن عبور و مرور در آن، برای همیشه ابقاء نمود!»^{۵۷}

گرچه از قرن هفتم تا امروز در این شبکه، از لحاظ ارتفاع و تبدیل آن به شبکه فلزی و دگرگونیهای مختلف دیگر، تغییراتی به وجود آمده است، اما محدوده‌ای که برای این شبکه در زمان ملک ظاهر ترسیم شده بود، هنوز هم به حال خود باقی است و تغییری در آن رخ نداده است و محل بیت فاطمه - سلام الله علیها - که در سمت شمالی مرقد رسول خدا، در داخل شبکه قرار گرفته بود، فعلاً نیز در داخل شبکه و در همان محدوده قرار دارد.

محراب و ضریح در بیت فاطمه - علیها السلام -

ابن نجار (متوفی ۶۴۳ ه. ق.) پس از اینکه از محمد بن ابراهیم؛ یکی از احفاد و نوادگان امام صادق - ع - نقل می‌کند که قبر فاطمه - ع - در بیت خودش قرار دارد، می‌گوید:

«قلت و بیتها اليوم حوله مقصورة و فيه محراب و هو خلف حجرة التبی - علیها السلام»^{۵۸}.

«در زمان فعلی، خانه فاطمه در داخل مقصوره و محدوده واقع شده و دارای محرابی است که در پشت حجره پیامبر - ص - قرار گرفته است».

ظاهراً منظور ابن نجار از «مقصوره» - که قبل از تاریخ نصب شبکه در اطراف بیت فاطمه - سلام الله علیها - بوده است - همان دیواری است که در زمان عمر بن عبدالعزیز در قسمت شمالی مرقد شریف نبوی - ص - ایجاد شده بود که با نصب شبکه، این دیواره نیز برداشته شده است. متن گفتار ابن نجار را سمهودی نقل کرده و اضافه می‌کند: «محرابی که ابن نجار از آن یاد نموده که در پشت حجره عایشه قرار دارد، در قسمت مقدم این محراب، محلی هست که مردم، آنجا را به عنوان «قبر فاطمه - ع -» می‌شناسند و بر این نقطه احترام زیادی قائلند و از قدم گذاشتن بر این محوطه امتناع می‌ورزند».^{۵۹}

همانگونه که سمهودی اشاره نموده در داخل بیت فاطمه، نقطه مشخصی به عنوان محل قبر آن حضرت شناخته می‌شده و از گفتار علامه مجلسی - ره - معلوم می‌شود که در قرنهای گذشته و در زمان آن مرحوم، علامت قبری نیز به عنوان قبر فاطمه در این نقطه وجود داشته است^{۶۰} و امروز هم در داخل بیت فاطمه ضریحی را مشاهده می‌کنیم منتسب به آن حضرت، به ابعاد تقریبی یک متر و نیم در یک متر و نیم که ظاهراً در همان نقطه‌ای که معروف به محل قبر آن حضرت بوده نصب شده و یا علامت قبری که مرحوم مجلسی اشاره فرموده، قابل انطباق است. گرچه تاکنون کیفیت پیدایش اثر قبر و تاریخ نصب این ضریح؛ همانند تاریخ احداث محراب قدیمی - که ابن نجار از آن یاد نموده - معلوم و مشخص نگردیده است.

دومین خانه امیر مؤمنان - ع -

پس از بحث در مورد خانه فاطمه و امیر مؤمنان - علیهما السلام - و آشنایی با تاریخ این بیت، مناسب است بحث تاریخی دیگری نیز - که بی‌ارتباط با بحث قبلی نیست - مطرح شود و آن، وجود دومین خانه امیر مؤمنان - ع - در مدینه می‌باشد.

قبل از بیان اصل موضوع، تذکر این نکته را لازم می‌دانیم که طبق شواهد تاریخی، رسول خدا

ص - پس از ورود به مدینه، بخشی از زمین وسیعی را که در سمت غربی بقیع قرار داشت، جهت ساختن منزل تقطیع و تقسیم و هر قطعه‌ای را در اختیار یکی از مهاجرین از صحابه قرار داد که یکی از این منزلها متعلق به عبدالرحمان بن عوف بود و خانه او اولین خانه‌ای است که در این نقطه احداث گردیده و این منزل به مناسبت بزرگ بودنش «دار کبری» و به مناسبت این که محل ضیافت و پذیرایی مهمانان رسول خدا بود «دارالضیفان» نامیده می‌شد.

و منزل دیگر متعلق به عثمان بن عفان بود. او نه یک باب، که دو باب منزل متصل به هم ساخته بود. یکی از این دو خانه نسبت به دیگری بزرگتر بود و از این رو به «دار کبری» و دیگری «دار صغری» نامیده می‌شد و جریان محاصره و کشته شدن وی در همان دار کبری به وقوع پیوست. همانگونه که منزل دیگری متعلق به ابوبکر بود و در مقابل خانه کوچک عثمان قرار داشت و او هم در همین منزل از دنیا رفت^{۶۱} و منازل دیگری نیز بود که به سایر صحابه تعلق داشت و در گذشته اشاره نمودیم که محل دفن ائمه بقیع، خانه‌ای بود متعلق به عقیل؛ همانگونه که در آینده خواهیم گفت، صفیه عمه رسول خدا در محلی که متصل به خانه مغیره بن شعبه بود، دفن گردیده است و ظاهراً جمله معروف در معرفی بقیع که در میان مدینه‌شناسان اشتهار دارد «شرقیها نخل و غربیها بیوت»^{۶۲} اشاره به همین بیوت است.

براساس شواهد تاریخی، یکی از این منازل نیز متعلق به امیر مؤمنان - علیه‌السلام - بود. به عنوان تأیید این موضوع، متن چند جمله تاریخی را در اینجا نقل می‌کنیم:

۱- ابن شبه قدیمترین مدینه‌شناس در این مورد می‌گوید:

«واتخذ علی بن ابیطالب بالمدينة دارین احدايهما دخلت فی مسجد رسول الله - ص - و هی منزل فاطمة بنت رسول الله التي تسكن فیها و الأخری دار علی التي بالبقیع و هی بایدی ولد علی علی حوز الصدقة»:^{۶۳}

«علی بن ابیطالب برای خود در مدینه دو خانه اختیار کرده بود؛ یکی همان خانه‌ای است که در داخل مسجد قرار گرفت و آن همان خانه فاطمه دختر رسول خداست که در آن سکونت می‌فرمود و دیگری خانه‌ای است که در کنار بقیع واقع شده بود و این خانه جزء موقوفات آن حضرت و در دست فرزندان او بود».

۲- ابن نجار (متوفای ۶۴۳ ه. ق.) از سعید بن جبیر نقل می‌کند که:

«رأیت قبر الحسن بن علی بن ابیطالب فی فم الزقاق الذی بین دار نبیه و بین دار علی بن

ابطالب»^{۶۴}.

«قبر حسن بن علی را در اول کوچه‌ای که در میان خانه نبیه و خانه علی بن ابیطالب قرار دارد، مشاهده نمودم».

۳- باز ابن نجار نقل می‌کند:

«و روی عن الحسن بن علی بن عبیدالله بن محمد بن عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب انه هدم منزله فی دار علی بن ابیطالب قال فاخرجنا منه حجرا مكتوباً علیه، هذا قبر رمله بنت صخر».^{۶۵}

«از حسن بن علی بن عبیدالله نقل شده: موقعی که خانه خود را در داخل منزل علی بن ابیطالب خراب می‌کرد، قطعه سنگی پیدا نمود که در آن این جمله نوشته شده بود: «هذا قبر رمله بنت صخر».

۴- در مورد تخریب بیت فاطمه - علیها السلام - آمده است که حسن بن حسن و همسرش فاطمه بنت الحسین چون مجبور به ترک حجره فاطمه شدند، این حجره را ترک نموده و به خانه علی بن ابیطالب منتقل شدند (فخرجوا منه حتی اتو دار علی نهاراً).^{۶۶}

از این متون تاریخی و مشابه آنها معلوم می‌شود که امیر مؤمنان - علیه السلام - علاوه بر بیت و حجره کنار مسجد، منزل دیگری نیز در اختیار داشت که در نزدیکی بقیع قرار گرفته بود و این خانه همانند سایر املاک و باغات و چشمه‌ها، جزء صدقات و موقوفات آن حضرت بود که تولیت این خانه را هم به ترتیب به فرزندانش امام مجتبی و حسین بن علی - ع - محول و کیفیت بهره‌برداری از آن را مشخص فرموده بود.^{۶۷}

حوادثی که در این خانه واقع شد

به عقیده نگارنده، حوادث مهم تاریخی که بلافاصله پس از رحلت جانگداز رسول خدا - ص - یکی پس از دیگری بوقوع پیوسته است، همه آنها در این منزل بوده نه در بیت فاطمه و در کنار مسجد.

اجتماع عده‌ای از مهاجرین و انصار در مخالفت با بیعت ابوبکر، هجوم به خانه امیر مؤمنان و احراق درب آن خانه،^{۶۸} دوران نقاهت حضرت زهرا و ملاقاتها و حوادثی که در این دوران اتفاق افتاده و همچنین مراسم تجهیز و تشییع آن حضرت مربوط به این منزل بوده و در این خانه واقع شده است که علاوه بر اعتبار عقلی، گاهی شواهد و قرائن تاریخی نیز این نظریه و عقیده را تایید می‌کند - واللّه العالم - .

پی نوشتها:

- ۱- وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۰۶.
- ۲- صحیح بخاری، کتاب المغازی، باب غزوه خیبر، ح ۳۹۹۸؛ صحیح مسلم، کتاب الجهاد و السیر، ح ۱۷۵۹.
- ۳- استیعاب مطبوع در حاشیه اصابه، ج ۴، ص ۳۷۹.
- ۴- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۰.
- ۵- امالی مفید، ص ۱۴۶.
- ۶- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۳.
- ۷- در آینده توضیح خواهیم داد که از قرن ششم این خانه مجدداً با نرده کشی اطراف آن، بطوری که امروز می بینیم، از مسجد مجزا و محوطهٔ آن مشخص شده است.
- ۸- عیون الأخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۱۱.
- ۹- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۱.
- ۱۰- مناقب، ج ۳، ص ۳۶۵.
- ۱۱- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۱.
- ۱۲- عیسی بن موسی از محدثین و علمای اهل سنت و معاصر با امام صادق - علیه السلام - است. نک: تهذیب التهذیب.
- ۱۳- قرب الإسناد به نقل بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۲.
- ۱۴- اقبال الاعمال، ص ۶۲۳.
- ۱۵- غربی و محدودهٔ اصلی داخل مسجد.
- ۱۶- این زیارت همان زیارت معروف است که در کتب ادعیه و زیارات نقل شده است، به انضمام صلوات مخصوص برای هر یک از معصومین - علیهم السلام -.
- ۱۷- من لایحضره الفقیه، به تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۵۷۴ - ۵۷۲.
- زیارت معروف: «یا محتنة امتحنک الله الذی خلقک...» را مرحوم علامهٔ مجلسی در مزار بحار از طریق محمد عریضی، از امام باقر - ع - نقل نموده است. لابد این زیارت منقول، به دست مرحوم صدوق نرسیده و یا در سند آن مناقشه فرموده است.
- ۱۸- معانی الأخبار، ص ۲۶۸.
- ۱۹- مقنعه، طبع دبیرخانهٔ کنگرهٔ شیخ مفید، ص ۴۵۹.
- ۲۰- مناقب ابن شهرآشوب، ج ۳، ص ۳۶۵.
- ۲۱- اعلام الوری، ص ۱۵۹.
- ۲۲- اقبال، ص ۲۲۴.
- ۲۳- این سومین روایت از روایاتی است که ما نقل نمودیم.
- ۲۴- اقبال، ص ۶۲۳.
- ۲۵- بحار، ج ۴۳، ص ۱۸۸.
- ۲۶- بحار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۳.
- ۲۷- همان.
- ۲۸- حماد بن عیسی عن الباقر - ع - : «دفن علی فاطمه - رض - لیلأ فی منزلها الذی دخل فی المسجد». عن عبدالله بن ابراهیم ان جعفر بن محمد کان یقول: قبرت فاطمه - رض - فی بیتها الذی ادخله عمر بن عبدالعزیز فی

- المسجد». این دو روایت را ابن شبه در تاریخ المدینه ج ۱، ص ۱۰۶ و ۱۰۷ و سمهودی در وفاء الوفا ج ۳، ص ۹۰۲ نقل نموده‌اند.
- ۲۹- وی اولین مدینه‌شناسی است که در این موضوع تألیفی هم داشته و در سال ۱۹۹ در قید حیات بوده است.
- ۳۰- تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۸.
- ۳۱- تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۱۷۶.
- ۳۲- این اقوال را ابن شبه در تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۵ و ۱۰۶ و سمهودی در وفاء الوفا ج ۳، ص ۹۰۱ نقل نموده‌اند.
- ۳۳- وفاء الوفا ج ۳، ص ۹۰۱.
- ۳۴- اخبار المدینه، ص ۱۵۴.
- ۳۵- عمدة الاخبار، ص ۱۵۴.
- ۳۶- مانند علی حافظ در کتاب خود فصول من تاریخ المدینه، ص ۱۶۸.
- ۳۷- تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۷؛ وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۱۰.
- ۳۸- ابن حبان از بزرگترین محدثان و علمای اهل سنت در قرن چهارم (متوفای ۳۵۴) می‌باشد و کتاب او از بهترین کتابهای حدیث به شمار می‌آید.
- ۳۹- عمدة الاخبار، ص ۱۵۳.
- ۴۰- مروج الذهب ج ۳، ص ۲۹۷؛ سمهودی در وفاء الوفا ج ۳، ص ۹۰۵ می‌گوید: این گفتار مسعودی متعلق به سال ۳۳۲ ه. ق. می‌باشد.
- ۴۱- توصیف مدینه، به نقل از فصلنامه میقات حج شماره ۵، ص ۱۱۷.
- ۴۲- ذخائر العقبی، ص ۵۴.
- ۴۳- محمد بن عبدالبر قرطبی مالکی (متوفی ۴۶۳ ه. ق.) از شخصیت‌های علمی و دارای کتابها و تألیفات متعددی است، از معروفترین آنها «استیعاب فی اسماء الأصحاب» می‌باشد. این کتاب در پاورقی «الإصابة» در مصر چاپ شده است. محب‌الدین طبری مکی شافعی، محدث و مفتی حرم مکه، مؤلف کتاب «الأحكام و ذخایر العقبی» می‌باشد، وفات وی در سال ۶۷۴ یا ۶۹۴ واقع شده است.
- ۴۴- تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۳.
- ۴۵- وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۹۵.
- ۴۶- اخبار المدینه الرسول، ص ۱۵۶. این دو قبر که در خارج بقیع و دارای گنبد قدیمی و جداگانه‌ای بودند، پس از تخریب گنبدها با احداث دیواری به دور آنها، مشخص و مورد توجه عده‌ای از زائران بودند ولی در این چند سال اخیر، به علت توسعه بقیع در داخل بقیع قرار گرفتند و اینک اثری از آنها باقی نیست.
- ۴۷- وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۹۳.
- ۴۸- عمدة الاخبار، ص ۱۵۳ و ۱۵۷.
- ۴۹- الدررة الثمينة فی الأخبار المدینة، ص ۷۳.
- ۵۰- وفاء الوفا، ج ۲، ص ۴۶۶.
- ۵۱- دوران خلافت وی ده سال از ۸۶ تا ۹۶ هجری بوده است.
- ۵۲- ذهبی در تاریخ الاسلام در شرح حال شخصیت‌هایی که در صدمین سال هجری بدرود حیات گفته‌اند می‌گوید: حسن وصی پدرش امام مجتبی -ع- و متولی موقوفات امیر مؤمنان -ع- بوده. از این گفتار ذهبی، شخصیت وی و علت سکونتش در حجره فاطمه -ع- و علت انتقالش به خانه امیر مؤمنان معلوم می‌گردد. و باز ذهبی نقل می‌کند که ولید کتباً دستور داد که به حسن بن حسن یکصد تازیانه بزنند و یک روز تمام در معرض تماشای مردم قرار

- دهند و در نامه‌اش آمده بود: «والله انا قاتله» و امام سجاد - ع - کلمات فرج را به او تعلیم فرمود تا از توطئه‌ای که برای شکستن شخصیت وی طراحی شده بود، نجات یافت.
- ۵۳ - وفاء الوفا، ج ۲، ص ۴۶۶.
- ۵۴ - خلاصه این حادثه تاریخی، در تاریخ طبری و کامل ابن اثیر و تاریخ یعقوبی و سایر منابع تاریخی و مشروح آن در البدایة و النهایه، در حوادث سال ۸۸ نقل شده است.
- ۵۵ - ارتفاع این دیوار تقریباً شش متر و نیم و عرض آن شصت سانتی‌متر بوده است.
- ۵۶ - وی از سلاطین مقتدر مصر و از کسانی بود که به مسائل اساسی مذهبی توجه بیشتری داشت، از همین رو توانست در سال ۶۶۵ با یک برنامه وسیع، همه عقاید و مذاهب فقهی اهل سنت را به چهار مذهب معروف منحصر نماید. نک: خطط مقریزی، ج ۲، ص ۳۴۴.
- ۵۷ - جریان نصب شبکه به وسیله ملک ظاهر در وفاء الوفا، ج ۲، ص ۶۰۴ و فصول من تاریخ المدینه، ص ۱۲۶ آمده است.
- ۵۸ - اخبار مدینه الرسول، ص ۷۶.
- ۵۹ - وفاء الوفا، ج ۲، ص ۴۶۹.
- ۶۰ - بحار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۳.
- ۶۱ - در مورد این بیوت نک: تاریخ ابن شبه، ج ۱، ص ۲۳۵ و ۲۴۲؛ وفاء الوفا ج ۲، ص ۷۳۱.
- ۶۲ - تاریخ ابن نجار، ص ۱۵۲؛ عمدة الاخبار، ص ۱۵۱؛ وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۸۹.
- ۶۳ - به نقل سمهودی در وفاء الوفا، ج ۲، ص ۴۶۹. علی رغم دقت نظر و صداقت و امانت در نقل سمهودی، که زبانزد مورخان است، این مطلب را که وی از ابن شبه نقل نموده است در نسخه چهار جلدی - که از تاریخ ابن شبه در اختیار ماست - با بررسی مکرر به دست نیامد و دلیل آن همان است که مصحح این کتاب در صفحات اول آن تذکر داده است که نسخه موجود در اختیار وی از نظر خط غیرخوانا و در مطالب و صفحاتش سقط فراوان وجود داشته است.
- ۶۴ - اخبار المدینه، ج ۱، ص ۵۴.
- ۶۵ - همان، ص ۱۵۵؛ وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۱۲.
- ۶۶ - وفاء الوفا، ج ۲، ص ۴۶۶.
- ۶۷ - موقوفات امیرمؤمنان در منابع تاریخی، مانند تاریخ ابن شبه، ج ۱، ص ۲۲۹ - ۲۱۹ آمده است و او متن وقف نامه جالب آن حضرت را که در جمادی الأولى سال ۳۹ تنظیم فرموده، نقل نموده است و از جملات این وقف‌نامه است: «و انه يقوم علی ذلك حسن بن علی... و ان حدث بحسن حدث و حسین حی فانه الی حسین بن علی و ان حسین بن علی یفعل مثل الذی امرت به حسناً...».
- ۶۸ - حادثه هجوم به خانه فاطمه زهرا و احراق باب آن حضرت در منابع تاریخی اهل سنت، از جمله در منابع زیر آمده است.
- تاریخ طبری حوادث سال ۱۱ هجری. الإمامه و السیاسة، ج ۱، ص ۱۱؛ عقدالفرید، چاپ مصر، ج ۳، ص ۶۴؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۶.